

حلقه‌ی نمادی - عرفانی ایران باستان
راز حلقه‌ستانی در سنگ نگاره‌های ساسانی

گزارنده

حسین پژوهش پیلهرود

هیرمبا

سرشناسه:	پیشین، پله‌رود، حسین، ۱۳۶۸
عنوان و نام پدیدآور:	حلقه‌ستانی در - عرفانی ایران باستان: راز حلقه‌ستانی در نگاره‌ها، ساسانی / گزارنده حسین پژوهش پیل‌رود
مشخصات نشر:	تهران: هنر، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری:	۲۹۲ ص: مصب جدول.
شابک:	۹-۸-۹۶۸-۶۲۲-۹۶۸-۶۲۲-۹۶۸-۶۲۲
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیپا
یادداشت:	کتابنامه ص ۲۸۵
عنوان دیگر:	راز حلقه‌ستانی در سنگ‌نگاره‌های ساسانی
موضوع:	سنگ‌نگاره‌ها - ایران - تاریخ - پیش از اسلام
موضوع:	Petroglyphs - Iran - History - To 622
موضوع:	کتیبه‌های ساسانی
موضوع:	Inscriptions, Sassanid
موضوع:	نقش‌های برجسته ساسانی - زمینه و موضوع
موضوع:	Relief (Sculpture), Sassanid- Themes, motives
موضوع:	خدا (زردشتی)
موضوع:	God (Zoroastriansism)
موضوع:	خدایان زردشتی
موضوع:	Zoroastrian Gods
موضوع:	خدایان در هنر
رده‌بندی کنگره:	۹۸۰
رده‌بندی دیویی:	۹۵۵/۷۵۹۹
شماره کتابشناسی ملی:	۵۶۸۶۳۴۵

هیرمیا

ملقه‌ی نمادی - عرفانی ایران باستان

از: ملقه‌ی سانی در سنگ‌نگاره‌های ساسانی

تألیف: ژوهش پیلرود

ناشر: هیرمیا
آماده‌سازی: کارگاه نشر هیرمیا
زیرنگر: بهنام مبارکه
نوبت چاپ: ۱۳۹۸
شمارگان: ۶ نسخه
چاپ، صحافی: وستان

شابک: ۹-۸-۹۹۱۶۸-۶۲۲-۹۷۸

شماره نشر: ۶/۷-۲۰۱-۲/۹۸

تهران - کارگر شمالی بالاتر از بلوار کشاورز کوچه میر پلاک ۱۸

کد پستی ۱۴۱۸۷۵۴۴۵۳ تلفن: ۶۶۴۲۰۶۲۰

همراه: ۰۹۱۹۰۰۹۵۲۴۹ - ۰۹۱۲۶۸۷۶۹۵۲

همه‌ی حقوق برای ناشر نگهداری شده است

پیش‌گفتار ۷

بخش ۱ - نماد حلقه در نگاره‌های پیش از ساسانیان

- نقش برجسته‌ی مهر داد دوم در بیستون ۴۶
نقش برجسته‌ی گودرز دوم ۴۹
نقش برجسته‌ی الیایی خونگ نوروزی ۵۱
نقش برجسته‌ی الیایی بردیت کوه تینا ۵۲
نقش برجسته‌ی الیایی تنگ سروک یک و دو ۵۳
نقش برجسته‌ی الیایی بردگوری جنگه ۶۰
نقش برجسته‌ی رستم ۶۱
سنگ یاد بود اردشیر پنجم ۶۲

□ بخش ۲ - واژه‌شناسی «اهورامزدا»

- ریخت‌شناسی و ساختار آوایی ۶۷

□ بخش ۳ - ماهیت و چیستی اهورامزدا

- امشاسپندان ۹۱
۱. وُهوْمَنَه، وهْمَن (vohumana) ۹۲
۲. اَشَهْ وَهیشْتَه (aša vahišta) ۹۵
۳. خَشْتَرَوَنَیْرَه یا خَشْتَرَاویرَه xšaθra-vairya ۹۸
۴. شَپَنْتَه آرمَیتی spanta-ārmaiti ۱۰۷
خُرداد، اُمرداد ۱۲۰
۵. هَئَوَرَوَات، هَرَوَات (haurvatāt) ۱۲۰
۶. اَمَرِتَات (amaretāt)، اَمِرِتَات (ameretāt) ۱۲۴
۷. شَپَنْتَامینو: ۱۳۸
۸. ایزد سروش ۱۴۷
۹. ایزد بهرام ۱۵۷

□ بخش ۳ - ایزدان و آفرینش جلوه‌ای از ذات اهورامزدا

۱۶۹ آفرینش اهورامزدا

□ بخش ۵ - ایزدان در سنگ‌نگاره‌های ساسانی

- ۲۰۸ (۱) سنگ‌نگاره‌ی اردشیر اول در فیروزآباد
- ۲۱۰ (۲) سنگ‌نگاره‌ی اردشیر اول در نقش رجب
- ۲۱۲ (۳) سنگ‌نگاره‌ی اردشیر اول در نقش رستم
- ۲۱۶ (۴) سنگ‌نگاره‌ی شاپور اول در بیشاپور
- ۲۱۹ (۵) سنگ‌نگاره‌ی هرمز اول در نقش رجب
- ۲۲۱ (۶) سنگ‌نگاره‌ی بهرام اول در بیشاپور
- ۲۲۴ سنگ‌نگاره‌ی نرسی در نقش رستم
- ۲۲۵ (۸) سنگ‌نگاره‌ی اردشیر دوم در تاق بستان
- ۲۲۷ سنگ‌نگاره‌ی خسرو پرویز در تاق بستان
- ۲۲۹ سنگ‌نگاره‌ها و شرح ایزدان در نگاره‌ها
- ۲۴۲ رفتار سالک‌س پرخیز شاهان ایران باستان
- ۲۵۸ کوشانیان و آیین مزدیسنا
- ۲۶۱ ایزد اَزْدَخْشَو: *ira k̥so*
- ۲۶۲ ایزد آشائیشخو: *āišxo*
- ۲۶۳ ایزد آتشو: *ātso*
- ۲۶۴ ایزد لروآشپو: *leroaspo*
- ۲۶۵ ایزد ماناؤباگُو: *nānāobāgo*
- ۲۶۶ ایزد ماؤ: *māo*
- ۲۶۷ ایزد میرو: *miiro*
- ۲۶۸ ایزد مُزْدو وانو: *mozdo oāno*
- ۲۶۹ ایزد اوئیدو: *Oado*
- ۲۷۰ ایزد اُرلاگنو: *orlāgno*
- ۲۷۰ ایزد قَررو: *farro*
- ۲۷۱ ایزد ریشنو: *rīšno*
- ۲۷۲ ایزد شاورِیور: *šāvrivarō*

۲۷۳ گفتار پایانی

۲۸۵ کتاب‌نامه

پیش‌گفتار

در زمانی که باستان‌شناسی به عنوان یک رشته تخصصی در کنکاش گذشته، وارد سرزمین ایران نشده بود بیگانگان در لوای هئیت‌های حفاری، بر روی میدانی دوره‌های باستانی ایران پرداختند. اگر چه این حفاری‌ها و کاوش‌ها، باعث شد تا وجهه و هویت کشور ایران در جهان دگرگون شود و نام ایران در مجمع جهانی بدرخشد اما نیت و هدف بیگانگان را می‌توان در دو مورد بیان کرد. کشورهای جهان غرب در پی استعمار سرزمین‌های شرقی، با تاریخ و سیراث شهر، شرق آشنا شده و در مقایسه با خود که تازه وارد دوره‌ی رنسانس شد، بودند هنوز ردپای وحشی‌گری و عقب ماندگی قرون وسطایی خود را در استعمار، کشورها بر جای گذاشته بودند. آنان تاریخ کشور خود را کمرنگ می‌دیدند و در تلاش بودند همراه با استعمار و استثمار مردم ستم‌دیده، اندیشه و هویت آنان را نیز به بردگی کشیده و تاریخ آن سرزمین را به سمت تاریکی بکشانند. هدف دوم نیز برای گردآوری اجناس عتیقه برای فروش به مجموعه‌داران، کلکسیونرها و پر کردن موزه‌های خویش بود. «پیش از قرن نوزدهم میلادی باستان‌شناسی بیشتر جنبه عتیقه‌فروشی داشت و هدف کاوشگران زمین، مباحثه نفع مادی بود (معصومی، ۱۳۸۹: ۸). ایران‌شناسان بیگانه در پاره‌ای موارد با توجه به نبود منابع و کم‌دانشی آنان از مفاهیم اسطوره‌ای و زبانی ایران دچار اشتباهات شده و گاهی به دروغ‌سرایی پرداختند. یکی از این برداشت‌های نادرست، پیرامون سنگ‌نگاره‌های هفت شاه ساسانی است که شاه در مجلس حلقه‌ستانی از «اهورامزدا» توصیف می‌شود و در پی آن تاریخ‌نگاران

از روی ناآگاهی و یا نیت سودجویی به تثبیت این اشتباهات دست یازیدند و در کتاب‌های خود بارها به تکرار، نام «اهورامزدا» را در کنار این سنگ‌نگاره‌ها نوشته و بدون هیچ گونه چرایی و پژوهش درباره‌ی گفته‌های بیگانگان به آن‌ها استناد کرده‌اند. هنوز هم در سال‌های اخیر کتاب‌هایی چاپ می‌شوند که به نادرست از این نظریه پیروی می‌کنند. با گذشت نزدیک به یک سده از این نظریه‌ها در ایران، باستان‌شناسان در پی زدودن این تاریکی‌ها بودند و به توصیف لایه‌های فرهنگی پرداخته و کمتر کسانی بودند که در این مسیر برای روشن ساختن تاریکی، چراغی می‌افروختند. همان‌گونه که زرتشت پیامبر ایران باستان، در سروده‌های خویش از مشعل فروزان دانش در پرتو راستی سخن گفته است: «ای خدای هستی بخش! ما فروغ توانای تو را که در پرتو راستی روزان است، خواهانیم. آن شعله‌ی فروزانی که ابدی و نیرومند است و پیران راستی را آشکارا رهنمون گشته و یاری می‌بخشد، ای خداوند خرد! همین شعله فروزان است که پلیدی نهفته در نهاد بدخواهان را فوری آشکار می‌سازد» (آذک‌نسب، ۱۳۹۱: ۱۱۷).

نگارنده تلاش دارد تا در پرتو راستی تاریکی را از این اشتباه بزرگ بردارد و شناخت درستی نسبت به «اهورامزدا» و «ایزدا» را به باشیم و بتوانیم معنا و مفهوم این دو را در سنگ‌نگاره‌های ساسانی از یکدیگر تفکیک کنیم.

در بخش دوم این پژوهش نخست «اهورامزدا» را در واژگان مورد بررسی قرار داده‌ام تا با جنس واژه و کاربرد و معنایش در زبان‌ها و خطوط باستانی آشنا شویم. بخش سوم به چیستی و چرایی «اهورامزدا» پرداخته است تا با توجه به معنا و مفهوم «اهورامزدا» به ماهیت خداوند یکتای ایرانیان پی ببریم. بخش چهارم به جلوه‌های آفرینش توسط «اهورامزدا» اختصاص

دارد، اینکه چگونه جهان از ذات خدای یکتا وجود گرفت و جلوه‌ای از حضور «اهورامزدا» در تک تک موجودات متبلور شد و صحنه یکتایی خداوند در جهان، هستی گرفت. این حضور صفات اهورایی است که در جسم ایزدان نمایانگر است. در بخش پنجم به توصیف سنگ‌نگاره‌های ساسانی و حضور نگاره‌ی ایزدان (نه اهورامزدا) در سنگ‌نگاره‌ها پرداخته‌ام. آشکار شود که این ایزدان هستند که در مجلس دیهیم‌ستانی حضور رند و پادشاه حلقه‌ی قدرت الهی را از ایزدان می‌ستانند.

این جمع ایزد و به معنای «فرشته» است که در اوستا به صورت «یَزَتَه» آمده و جایگاه پایین‌تر از امشاسپندان دارند و همچنین به مفهوم سزاوار مدح و ستودن و یا ایشی‌ی باشد (شهزادی، ۱۳۸۶: ۶۹).

سنگ‌نگاره‌های شاهنشاهی ساسانی

در بین حدود ۳۷ سنگ‌نگاره‌ی دوران ساسانی ۹ سنگ‌نگاره از ۷ شاهنشاه ساسانی وجود دارد که شاه در مجلس تاج‌ستانی یا دیهیم‌ستانی نشان می‌دهد که با توجه به مضمون در دسته تصاویر مذهبی قرار دارند. سنگ‌نگاره‌ها به ترتیب شاهان ساسانی به اردشیر اول بنیان‌گذار شاهنشاهی ساسانی، شاپور اول، هرمز اول، بهرام اول، نرسی، اردشیر دوم و خسرو پرویز (جوادی، آورزمانی، ۱۳۸۸: ۱۱) با توجه به این که تنها هفت شاه ساسانی به این موضوع پرداخته‌اند باید منظوری در پس این سنگ‌نگاره‌ها باشد زیرا خود را در مجلسی نشان داده‌اند که نمی‌توان آن را یک رسم سلطنتی دانست. از اردشیر اول تا بهرام اول چهار پادشاه به طور پشت سرهم و در فاصله‌ی ۵۲ ساله این نقش را در دل صخره‌ها بسته‌اند، ۱۷ سال بعد از شاه چهارم، نرسی هفتمین شاه ساسانی و

پنجمین شاهی است که این مجلس را می‌نگارد، ۷۶ سال بعد از نرسی اردشیر دوم این کار را انجام می‌دهد و ۲۰۸ سال بعد از اردشیر دوم، خسرو پرویز مجلس حلقه‌ستانی را در تاق بستان در دل کوه می‌نگارد. توضیحات بالا با جزئیات بیشتر در جدول زیر مشخص شده است.

ردیف	شاه ساسانی	زمان سلطنت (میلادی)	سنگ نگاره / استان
۱	اردشیر اول	شاه یکم ۲۲۴-۲۴۱	فیروزآباد / پارس
۲	اردشیر اول	—	نقش رجب / پارس
۳	اردشیر اول	—	نقش رستم / پارس
۴	شاپور اول	شاه دوم ۲۴۱-۲۷۲	بیشاپور / پارس
۵	هرمز اول	شاه سوم ۲۷۳-۲۷۳	نقش رجب / پارس
۶	بهرام اول	شاه چهارم ۲۷۳-۲۷۶	بیشاپور / پارس
۷	نرسی	شاه پنجم ۳۰۳-۲۹۳	نقش رستم / پارس
۸	اردشیر دوم	شاه دهم ۳۸۳-۳۸۹	تاق بستان / کرمانشاه
۹	خسرو پرویز	شاه بیست و پنجم ۴۲۸-۵۲۹	تاق بستان / کرمانشاه

پژوهش و بررسی سنگ‌نگاره‌های ساسانی بسیار محدود و ناچیز است. در نگاه اول بررسی‌های اولیه است که در یک قرن گذشته توسط ایران‌شناسان خارجی انجام شد که بیشتر توسط هیئت‌های باستان‌شناسی فرانسوی صورت گرفت و نظریه اهورامزدا در سنگ‌نگاره‌های ساسانی شکل گرفت. این نادرستی‌ها تا جایی پیش رفت که رومن گیرشمن فرانسوی که ریاست هیئت حفاری بیشاپور را نیز بر عهده داشت، نگاره‌ی فروغز را نگاره اهورامزدا بخواند و در کتاب خویش هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی، پارتی و ساسانی آن را مطرح کند و بگوید هخامنشیان اهورامزدا را به این

شکل در سنگ‌نگاره‌ها نقش بسته‌اند و شاهان ساسانی نیز به شکل دیگری پیروی کرده‌اند. تا به امروز نیز نویسندگان در کتاب‌های خود به این سخن بیگانگان استناد کرده بی‌آن که به دنبال حقیقت این نگاره‌ها باشند و این خود باعث شده است تا در بین اذهان عمومی مردم چهره‌ی نادرستی شکل بگیرد و مردم بپندارند که اهورامزدا پیکرک و نگاره دارد. شرح پیمان‌نامه نانی فرانسه با دولت ناصرالدین شاه و حفاری حریصانه و از روی طمع «ارسل دیولافوا» و همسرش در شوش و هیئت‌های دیگر فرانسوی در ایران دو بی‌خبر به خوبی نشان‌دهنده‌ی این حقیقت است که بیگانگان، تاریخ ایران را بر اساس ساریک جسلوه داده‌اند. «در ایران در مهر ماه سال ۱۳۰۶ خورشیدی (۱۹۲۷ میلادی) نمایندگان مجلس شورای ملی امتیاز انحصار حفاری در تمام ایران را که بیست و هفت سال قبل از این تاریخ به کشور فرانسه واگذار شده بود به طور مشروط لغو کرد» (ملک شهیرزادی، ۱۳۹۱، ۲۱).

از ایران‌شناسان و باستان‌شناسانی که پیرامون این سنگ‌نگاره‌ها به بررسی و کاوش دست زده‌اند می‌توان به سارسل دیولافوا، ارنست هرتسفلد، اشمیت، آندره گدار، گیرشمن، والتر هینتس و ژاک دیرلرگان اشاره کرد. تاریخ‌نویسان و نویسندگان دیگر در کتاب‌های مربوط به ساسانی اشاره کوتاهی به سنگ‌نگاره کرده‌اند و با استناد به نظریه‌ی پیشین، برای شخص در حال اعطای حلقه، واژه‌ی اهورامزدا را به کار برده و از کنار این موضوع بسیار با اهمیت به سادگی گذر کردند. کتابی که در حال حاضر به طور تخصصی به سنگ‌نگاره‌ها پرداخته است از شهره جوادی^(۱) به همراه

فریدون آورزمانی^(۱) است که در سال ۱۳۸۸ توسط انتشارات بلخ منتشر شد. این کتاب با تمام توجه و دقت نظرهایش و بخش‌بندی‌های مناسب سنگ‌نگاره‌ها با مضمون و مفهومی که نقش‌ها دارند باز دچار تکرار همان اشتباه و برداشت نادرست شده است و ذهن خواننده را به حاشیه می‌برد. در جدول زیر نام باستان‌شناسان خارجی که سنگ‌نگاره‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند و نظریه‌ی نگاره اهورامزدا را عنوان کرده‌اند به همراه زمان کاوش سنگ‌نگاره‌ها آمده که برگرفته از منابع پیش رو است: (معصومی،

نام	زمان (میلادی)	مکان
مارسل دیولافوا	۱۸۸۵-۱۸۸۴	نقش رستم، فیروزآباد، تاق بستان
ارنست هرتسفلد	۱۹۲۰-۱۹۱۰ ۱۹۴۰-۱۹۳۶	نقش رستم، فیروزآباد، تاق بستان
اوژن فلاندن، پاسکال کوست	۱۸۵۲-۱۸۴۳	فیروزآباد، نقش رستم، نقش رجب
رومن گیرشمن	۱۹۳۱-۱۹۴۰ ۱۹۴۷-۱۹۴۴	بشاپور، فیروزآباد
والتر هینتس	۱۹۶۹	فیروزآباد
لویی وندن برگ	۱۹۶۱	فیروزآباد
آندره گدار	۱۹۳۸	فیروزآباد
ژاک دموورگان	۱۸۹۶	تاق بستان
جیمز موریه، ویلیام اوزلی	۱۸۱۲-۱۸۱۱	نقش رجب (۲)

گفته‌های دو تن از سردمداران این دیدگاه را (هرتسفلد، رومن

گیرشمن) برای نگاره قائل شدن اهورامزدا در سنگ‌نگاره‌های ساسانی و نقش فروهر زمان هخامنشی در زیر آورده تا با هدف پژوهش بیشتر آشنا شده و تاریکی درون این نقش برجسته‌ها را روشن سازیم.

«اولین نقش برجسته (نقش رجب) تاجگذاری اردشیر اول (۲۴۱-۲۲۴ م) را نشان می‌دهد. در وسط نقش، شاهنشاه از دست اهورامزدا تاجی را که به صورت حلقه‌ای است، و از یک طرف آن نوارهایی آویزان است می‌گیرد. در عقب پادشاه پسرش شاپور اول دست راست خود را به علامت احترام بلند کرد. اسب در پشت این منظره یک پیش‌خدمت که بادبزی در دست دارد دیده می‌شود و در سمت راست ملکه و ندیمه نشان داده شده است. در میان شاه و خدا دو چه دیده می‌شوند و در سمت چپ شخص بدون ریشی دیده می‌شود که دست راست خود را به علامت احترام بلند کرده و در کنار او یک کتیبه به خط پهلوی، نقش شاه است.

نگاره دیگر در نقش رجب اردشیر شاپور اول است. شاهنشاه نشانه پادشاهی را از دست اهورامزدا می‌گیرد. شاه و خدا هر دو سوار بر اسب هستند و بر روی سینه اسب کتیبه‌ای به خط پهلوی و یونانی نوشته شده است» (وندنبرگ، ۱۳۹۰: ۲۴).

در مورد نقش فروهر که در زمان هخامنشیان نقش اساسی و ثابت در آرامگاه‌های پادشاهان هخامنشی و تخت‌جمشید را دارد، باید گفت، این نگاره نیز با نام اهورامزدا و خدای ایرانیان آورده شده است که برای جلوگیری از تکرار اشتباهات ایران‌شناسان خارجی در این بخش اشاره‌ای کوتاه از رومن گیرشمن را در زیر می‌آوریم که سردمدار این نظریه بود و در کتاب دو جلدی خود به نام هنر ایران (در دوران مادی و هخامنشی و دوران پارتی و ساسانی) به این موضوع پرداخته است. در جلد اول در بخش

هخامنشی به طور مفصل به نگاره‌ی فرّوهر پرداخته و آن را «اهورامزدا» نامیده که نگارنده برای پرهیز از نگارش این نادرستی‌ها تنها بخش کوتاهی از دیدگاه گیرشمن درباره‌ی آرامگاه داریوش بزرگ هخامنشی در نقش رستم را که در جلد دوم کتاب خویش، هنر ایران (در دوران پارتی و ساسانی)، بیان کرده است در این پاره آورده‌ام:

در نقش رستم شاهنشاه (داریوش بزرگ) را می‌بینیم که در حضور اهورامزدا در بالای آرامگاه خود در برابر یک آتشدان مشغول انجام مراسم دینی است. این آرامگاه را این نقش اساساً جنبه مذهبی دارد، ولی در تخت جمشید چنین نیست. اندیشه‌ای که در نمایش همان خدا در نقوش تخت جمشید نهفته است، و به بی‌ترتی بیشتر مقصدی سیاسی در بر داشته باشد و متون سنگ نوشت داریوش همین معنی را می‌رساند و اندیشه پیوستگی و پیمان بین شاه و خدای ایزدش، در نقش حلقه شاهی که هدیه آسمانی و مظهر قدرت شاهی است ترجمه می‌گردد. اگر این تعبیر مورد قبول واقع گردد نقوش برجسته تخت جمشید می‌توانند مبدأ یک رشته صحنه‌های واقعی تاج‌بخشی باشند. شاید بعدها تحت تأثیر افکار یونانی است که ایزد (خدای) ایرانی صورت انسان به خود می‌گیرد و برای تقدیس شاه در نقش برجسته تنگ سروک به طور ایستاده و در نقوش برجسته دیگر ساسانی به طور سواره ظاهر می‌گردد» (گیرشمن، ۱۳۹۰: ۲۶۲؛ — تصویر شماره ۱)

همان‌گونه که از گفته‌های گیرشمن بر می‌آید، نگاره‌ی فرّوهر را «اهورامزدا» پنداشته و با استناد به کتیبه‌های داریوش آن را خدای نام برده در متن کتیبه‌ها دانسته و هدف داریوش از نقش فرّوهر را سیاسی می‌داند.